پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۴۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

نگاهی به فیلم‌های سینمایی که موفقیت نظامی و امنیتی ایران را فریاد زدند

به‌سوی پیروزی

ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

عملیات سه‌شنبه‌شب ایران به قلب مواضع رژیم صهیونیستی نه‌تنها بغض ایرانیان را شکست، بلکه دل بسیاری از مظلومان جهان را از این اقدام شاد کرد. دشمن صهیونیستی فکرش را نمی‌کرد که ایران در یک اقدام دراماتیک و سینمایی تمام محاسباتش را به‌هم بریزد و توپ را در زمین اسرائیل بیندازد. حتی حامیان غرب هم این بار نتوانستند با شانتاژهای رسانه‌ای به کمک پاپت خود در منطقه بیایند و مظلوم‌نمایی کنند. حال ما در این نقطه حساس وظیفه خود می‌دانیم که با باز کردن پرونده سینمای ایران، سری به تولیدات آن بزنیم و رد پیروزی‌های کشور در نبردهای اطلاعاتی و رزمی را جست‌وجو کنیم. تحمیل جنگ به ما پس از پیروزی انقلاب یک اقدام برنامه‌ریزی‌شده و براساس یک سلسله کار عملیاتی دقیق بود ولی دشمن هیچ تصور نمی‌کرد جمهوری اسلامی در نخستین روزهای تولد خود بتواند از پس فتنه‌های اساسی برآید و ایران را بدون اینکه حتی یک وجب از خاکش از دست برود در طول هشت سال دفاع مقدس حفظ کند. باری، وظیفه سینماگران ایرانی در مقام هنرمند این بوده و هست که بتوانند از راه مشخص کردن نسبت‌شان با وضعیتی که در آن قرار داریم به بازنمایی موفقیت‌های نظامی کشور در منطقه بپردازند. دفاع مقدس و حماسه‌ای که مدافعان حرم در سوریه و عراق آفریدند ارزش این را دارد که به‌وسیله دستگاه سینماتوگراف در اذهان ملت ما ثبت و ضبط شود. در این گزارش قصد داریم به تعدادی از آثار سینمایی‌مان که موفقیت‌های نظامی و امنیتی ایران در سطح منطقه و جهان را بازتاب داده‌اند بپردازیم.

حمله به اچ ۳

۱۵ فروردین ۱۳۶۰ برای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران روز بزرگ، غرورآفرین و شادی‌بخشی است. در این تاریخ فانتوم‌های نیروی هوایی یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های هوایی در دنیا را به نام خود سند زدند و با نفوذ به عمق ۱۰۰۰ کیلومتری عراق، مرز مشترک میان این کشور و اردن را بمباران کردند. در این عملیات هیچ آسیب و گزندی به نیروهای ایرانی نرسید و خلبانان سربلند و رشیدقامت ما تعداد زیادی از بمب‌افکن‌های رژیم بعثی عراق را از کار انداختند. درواقع این عملیات همراه با عملیات کمان۹۹ یکی از نقاط روشن تاریخ حضور نیروی هوایی ارتش در طول جنگ تحمیلی به حساب می‌آید. حمله به اچ۳ ظرفیت‌های دراماتیک نهفته زیادی داشت و خود به خود باعث می‌شد طیفی از سینماگران متعهد به آرمان‌های انقلاب نسبت به ساخت فیلمی براساس آن احساس تکلیف کنند و وارد گود شوند. قرعه برای روایت داستان قهرمانی خلبانان ایرانی در عملیات اچ۳ به نام شهریار بحرانی افتاد. او فارغ‌التحصیل انیمیشن از مدرسه سینمایی لندن بود و طبیعتا بر کاری که می‌خواست در زمینه ساخت فیلم بلند سینمایی انجام دهد، اشراف داشت. فیلم با بازی جعفر دهقان، محمد کاسبی، حسین یاری، حسن عباسی و... برای اکران در سال ۱۳۷۴ آماده شد و توانست با قرار گرفتن در رتبه سیزدهم فیلم‌های پرفروش سال بیش از ۹۵۰ هزارنفر را به سالن‌های سینما بکشاند. حمله به اچ۳ با رعایت وفاداری به واقعیت بیرونی و پرهیز از برداشت‌های آزاد به یک فیلم نسبتا محبوب دفاع مقدسی بدل شد و در تاریخ سینمای جنگ ما جای درخور و شایسته‌ای پیدا کرد. این اثر هنوز هم به مناسبت‌های مختلف از طریق صداوسیما و دیگر شبکه‌های ماهواره‌ای پخش می‌شود و مخاطب دارد.

عملیات کرکوک

عملیات فتح۱ هم یکی دیگر از آن ضرب‌شست‌هایی بود که نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۹ مهرماه ۱۳۶۵ به دشمن بعثی نشان دادند. هدف از اجرای این عملیات -که در آن نیروهای معارض کرد عراقی هم با ما همکاری می‌کردند- آسیب به سه پایگاه موشکی زمین به هوا، تاسیسات تفکیک نفت و گاز جمبور در جنوب کرکوک و... بود. در عملیات فتح۱ بیش از ۶۰۰ تن از نیروهای بعثی کشته و زخمی شدند ولی رزمندگان ما هیچ آسیبی ندیدند، آن هم در شرایطی که به دلیل پارتیزانی بودن عملیات احتمال درگیری و شهید شدن نیروهای ما هیچ کم نبود. جمال شورجه پنج سال پس از عملیات غرورآفرین فتح۱ پشت دوربین قرار گرفت و نسخه سینمایی این واقعه را ساخت. فیلم در اکران سال ۱۳۷۰ توانست نظر نزدیک به یک میلیون نفر را به خود معطوف کند. عملیات کرکوک در اکران سال ۱۳۷۰ رتبه چهاردهمین فیلم پرفروش را به دست آورد و همین اتفاق مسیرش را به سمت پخش در صداوسیما هموار کرد. این اثر البته برداشت نسبتا آزادی از عملیات فتح۱ بود چون از شهادت به‌عنوان یکی از مایه‌ها و تم‌های اصلی فیلم استفاده کرده بود. در آن زمان به سادگی این زمان نبود که فیلمساز از خیر بازنمایی شهادت در آثارش بگذرد و فیلمش را به سیاق آثار هالیوودی بسازد.

چ

نبرد با دشمن در تاریخ انقلاب اسلامی را فقط نباید در قالب رشادت‌های رزمندگان ما در طول دفاع مقدس دید. انقلاب به ثمر نشسته بود و کشور در آتش اختلافات می‌سوخت. از سوی دیگر این ضدانقلاب بود که در اوضاع نابسامان ایران مدام از پشت به دولت جوان انقلابی خنجر می‌زد و سخت در پی سهم‌خواهی از اقدام بزرگ ملت ایران بود. این رویه تا ماه‌ها ادامه داشت و در مرداد ۱۳۵۸ با تغییر شکل و برداشتن نقاب‌ها جلوه‌ای بارز به خود گرفت. گروه‌های تروریستی کرد با لیبل احزابی نظیر کومله و دموکرات به شهر پاوه حمله کردند و تا روز ۲۸ مرداد، توانستند تمام شهر به جز پاسگاه ژاندارمری و پادگان سپاه را به تصرف خود دربیاورند. البته خوشبختانه این پایان ماجرا نبود و تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی ارتش، دکتر مصطفی چمران نماینده دولت موقت و احمد کشوری در قامت خلبان هوانیروز در منطقه حاضر شدند و شرایط را به نفع نیروهای انقلاب مدافع شهر تغییر دادند. فرمان رهبر انقلاب، حضرت امام خمینی(ره) هم در برچیده شدن بساط ضدانقلاب نقش تمام‌کننده‌ای داشت و باعث شد ایرانیان در برابر این افراد بسیج شوند و کار را یکسره کنند. نسخه سینمایی واقعه پاوه را مهم‌ترین چهره سینمایی جبهه انقلاب، ابراهیم حاتمی‌کیا در سال ۱۳۹۲ تبدیل به فیلم سینمایی کرد. «چ» در بازنمایی قهرمانش، پالت رنگی‌اش و حتی موارد تبلیغاتی‌اش بی‌شباهت به che استیون سودربرگ نبود ولی ابراهیم حاتمی‌کیا همانند بسیاری از فیلمسازانی که رگه‌های مولف بودن را در کار خود رعایت می‌کنند، همیشه چیزهایی برای ارائه داشت. فیلم با هزینه شش میلیاردی تنها دو میلیارد در گیشه فروخت. در نگاه نخست شاید بعضی این‌طور فکر کردند که چون فیلم نتوانست انتظارات سالن‌های سینما را برآورده سازد حتما در انتقال مفاهیم وطن‌دوستانه و انقلابی‌اش به بن‌بست برخورد کرده اما این‌گونه نیست. «چ» با مرور زمان توانست در میان افکارعمومی جای خوبی برای خودش دست‌وپا کند و کم‌کم وارد حافظه ملت ایران شود. لحظه بالا بردن ضبط صوت توسط اصغر وصالی (بابک حمیدیان) به نشانه اینکه امام عصایش را بلند کرده یکی از تصویری‌ترین لحظات سینمای ما در نشان دادن قدرت و صلابت ایران انقلابی است.

روز صفر

عبدالمالک ریگی جثه نسبتا ریزی داشت ولی شیطانی بود که هیبت کریه او در پس‌زمینه اقدامات تروریستی‌اش در سیستان‌وبلوچستان پنهان شده بود. او با هدایت گروهی که آن را جندالله می‌نامید، فتنه‌های زیادی به پا کرد ولی عاقبت در تور اطلاعاتی نیروهای اطلاعات گرفتار شد و جزای اعمالش را با اجرای حکم عادلانه اعدام پرداخت کرد. ریگی از واقعه تروریستی تاسوکی تا بمب‌گذاری انتحاری در پیشین به ایران عزیز زخم زد و بسیاری را شهید کرد. ولی عاقبت این نیروهای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران بودند که توانستند در چهارم اسفند ۱۳۸۸ این تروریست خونخوار را در آسمان بازداشت کنند و کت‌بسته به ایران بیاورند. دستگیری ریگی موجی از شادی و حیرت را در میان مردم ایران و همچنین رسانه‌های مختلف داخلی و خارجی پدید آورد و یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای اطلاعاتی را در دستگیری و انتقال یکی از مهم‌ترین تروریست‌های قرن ۲۱ رقم زد. سینمای ایران دوبار به این کاراکتر مخوف پرداخته است. اولین فیلم «شبی که ماه کامل شد» ساخته نرگس آبیار نام داشت که ریگی را در حاشیه داستان برادر و زن برادرش، عبدالحمید روایت می‌کرد ولی فیلم دوم، «روز صفر» ساخته سعید ملکان بود که عبدالمالک را در نقطه کانونی درام به تصویر درمی‌آورد. این فیلم با اکران در بخش مسابقه سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر نظر تعدادی از منتقدان را به خودش جلب کرد و درنهایت هم براساس پیش‌بینی‌های موجود صاحب ۵ سیمرغ بلورین شد. روز صفر بر اساس اسلوب هالیوودی، قهرمان اطلاعاتی‌اش را به تصویر می‌کشید و مدل پرداخت فیلمساز اگرچه کپی‌برداری شده از فیلم‌های آمریکایی بود اما به دلیل اینکه اجرای خوبی داشت به دل مخاطبان می‌نشست و آنها را حسابی سر کیف می‌آورد. فیلم در شرایط سخت کرونا اکران شد و نتوانست آن‌طور که باید توقعات را برآورده کند. دستگیری ریگی توسط نیروهای وزارت اطلاعات البته پیچیده‌تر از آن چیزی بود که در این فیلم بازنمایی شد ولی ساخت فیلمی مثل روز صفر در دورانی که کمدی‌های بی‌سروته حکومت می‌کنند غنیمت است.

جلوه‌ای از زندگی حماسی شهید حسن طهرانی‌مقدم که در کتاب‌ها تصویر شده است

مردی که به آرزویش رسید

طاهره حسنلو
خبرنگار

شهید حسن طهرانی‌مقدم، اسطوره‌ای بی‌بدیل در عرصه دفاعی ایران، نامی است که با شجاعت، ایمان و خلاقیت در هم آمیخته شده است. او نه‌تنها پدر صنعت موشکی ایران، بلکه نمادی از اراده‌ای آهنین و عشقی بی‌پایان به وطن و آرمان‌های انقلاب اسلامی بود. طهرانی‌مقدم با نگاهی بلندپروازانه و با تکیه بر علم، ایمان و ازخودگذشتگی، توانست مسیری نوین در دفاع از ایران بگشاید. این متن، جلوه‌ای از زندگی حماسی و دستاوردهای بی‌مانند او را در قالب کتاب‌های تولیدشده به تصویر می‌کشد و سرگذشت مردی را روایت می‌کنند که با ایثار و تلاش خود، میراثی ماندگار از امنیت و اقتدار برای ایران به جا گذاشت.

خط‌مقدم

«خط‌مقدم» به قلم فائزه غفارحدادی داستان خود را با تشکیل یگان موشکی ایران آغاز می‌کند. حدادی در این کتاب به توصیف شخصیت شهید طهرانی و ارتباطات او با چالش‌های پیرامونش برای بنیان‌گذاری راهی جدید در ساختار نظامی کشور می‌پردازد. در کنار این روایت ویژگی‌های شخصیتی شهید طهرانی به‌عنوان فرمانده‌ای کاریزماتیک که شخصیت‌های فرعی را با خود همراه می‌کند برجسته شده و درکنار توصیف احساسات، زندگی عبادی و سبک زندگی ویژه، سعی شده است از کلیشه‌سازی دوری شود. در بخش دیگری از این روایت مستند به خانواده شهید، به‌ویژه همسر ایشان پرداخته شده تا وجه دیگری از زندگی و تلاش‌های ایشان به نمایش گذاشته شود. این کتاب به گفته کارشناسان به دور از تخیل و توصیفات اغراق‌آمیز نگارش شده و بیشتر تلاش داشته تا شهید طهرانی‌مقدم را براساس واقعیات و مستندها از مرداد ۶۳ تا دی ۶۵ روایت کند. آنجا که ظرفیت‌های وجودی سردارطهرانی محدودیت‌ها را سکویی برای رسیدن به مرز «ما می‌توانیم»ها می‌کند. این کتاب در سال جاری توسط نشر شهید کاظمی منتشر شده است.

یادگاران، حسن طهرانی‌مقدم

«یادگاران» عنوان مجموعه‌کتاب‌هایی است که هر جلد آن خاطره‌هایی از سال‌های جنگ را شامل می‌شود. یادگاران ۲۵ به شخصیت شهید طهرانی‌مقدم، پدر موشکی ایران اختصاص دارد. انتشارات روایت فتح در این جلد صدها خاطره کوتاه از مردی را جمع‌آوری کرده که آرزوی سال‌های بسیاری از مردان عرصه دفاع این مرز را به خاطره‌ای بالیدنی تبدیل کرد. در میان خاطره‌ها روایت‌هایی کوتاه از زبان برادر، همسر، فرزندان و دوستان شهید به قلم فرزانه مردی وجود دارد. در مقدمه کتاب می‌خوانیم: «این کتاب فقط و فقط ۱۰۰ خاطره کوتاه از مردی است که با آرزوهای بلندش برای کشور و دینش اقتدار به ارمغان آورد. مردی که یکی از آرزوهایش برقراری امپراتوری شیعه در جهان بود. خاطرات و یاد شهید حسن طهرانی‌مقدم هنوز هم در قاب چشم خیلی‌ها جا مانده است و هر کدام به زبان دل خود آنچه از او دیده‌اند را می‌گویند. ۱۰۰ خاطره کوتاه از مردی که تکه‌های پازل تصویرش هنوز برایمان کامل نشده است و مرادش به حق درباره‌اش گفته است که او «سردار عالیقدر، دانشمند برجسته و پارسای بی‌ادعا» بود.»

مرد ابدی

«مرد ابدی» را شاید بتوان جامع‌ترین کتاب با محوریت زندگی شهید طهرانی‌مقدم دانست. روایتی که به گواه پژوهشگران حاصل قریب به ۱۲ سال مصاحبه و ضبط خاطره با افرادی است که بخش قابل‌توجهی از عمر خود را با وجود شهید بزرگوار گذرانده و شاهد شکل‌گیری فرمانده‌ای در مقام طهرانی‌مقدم بودند. شروع پروژه پژوهش این کتاب حدود ۷ ماه پس از شهادت آغاز شد و بیش از ۶۰۰ ساعت گفت‌وگو و تامل در اسناد صوتی و تصویری شهید طهرانی‌مقدم و بررسی صدها سند مکتوب از ایشان می‌شود. نویسنده کتاب، معصومه سپهری پیش از این دو اثر شاخص با عنوان‌های «لشکر خوبان» و «نورالدین پسر ایران» را در کارنامه خود داشته و در این اثر نیز هنرمندانه توانسته روایتی مطلوب از نقاط عطف زندگی سردار طهرانی‌مقدم را شکل بدهد. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «پادگان مدرس، تقریبا کنار جاده اصلی بود و شکل و هیبت نظامی نداشت، الا اینکه خاکریز و سیم‌خاردار دورش را محصور کرده بود.

– دور پادگان خاکریز باید باشه تا اگر خدای نکرده حادثه‌ای رخ داد، موج انفجار رو تا حدی بگیره!

حاج حسن، خودش این را خواسته بود. اما نیروهای پادگان از وقتی او را شناخته بودند، دیگر منتظر اشاره او نبودند و سعی می‌کردند پادگان مدرس را از هر جهت دلخواه فرمانده‌شان کنند. در دل بیابان، به تمیزی و فضای سبز پادگان رسیدند. به‌زودی سوله‌ها تمیز شد و رنگ‌شان از قهوه‌ای به آبی تغییر کرد! شاید آنجا تنها نقطه دنیا بود که حتی اکثر تجهیزات آتش‌نشانی‌اش به عشق فرمانده‌شان، آبی رنگ شد!»

با دست‌های خالی

کتاب «با دست‌های خالی» در ۳۰ بخش و ۱۲۰ صفحه به روایت خاطراتی از شهید حسن طهرانی‌مقدم می‌پردازد. در بخش‌هایی از کتاب شاید به دلیل ملاحظات امنیتی، راوی خاطره مشخص نیست و مخاطب را مقداری گنگ می‌کند. اما به‌طور کلی تصویر کوتاه و کاملی از این شخصیت در ذهن خواننده شکل می‌گیرد. این روایت از رشادت‌های شهید طهرانی‌مقدم در عرصه دفاع مقدس تا نبوغ و نوآوری ایشان در عرصه موشکی و حتی روایت‌هایی از وجوه شخصی و اخلاقی ایشان را در بر می‌گیرد. مهدی بختیاری، نویسنده کتاب توانسته با به‌کارگیری درست از تصاویر و اسناد مربوط به شهید، مخاطب را به خوبی با خود همراه کند. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «همیشه می‌گفت کاری که ما می‌کنیم خیلی حساس است و اهمیت دارد. اعتقاد داشت این موشک‌ها در واقع اختراع شیعه است و می‌گفت می‌خواهم روی این موشک‌ها بزنم «ساخت شیعه» و به اذن خدا و کمک اهل بیت کاری خواهیم کرد که آیندگان خواهند فهمید چقدر اهمیت دارد.»

فاتح قدس

در «فاتح قدس» نیز به سیاق کتاب‌های پیشین پس از اشاره مختصر به زندگی‌نامه کلی شهید از مادر، همسر، خواهر، برادر و فرزندان شهید روایت‌هایی نقل شده است. سپس خاطراتی از سرداران و همزمان شهید روایت شده است. نقطه تمایز این کتاب با سایر کتاب‌های انتشاریافته درباره شهید طهرانی‌مقدم پرداختن به گزارش‌هایی است که رسانه‌های خارجی پس از شهادت سردار طهرانی‌مقدم منتشر کرده‌اند. این کتاب در ۷ بخش و به قلم محمدحسین علیجان‌زاده‌روشن توسط نشر معارف منتشر شده است. در بخشی از این کتاب که به گفت‌وگو با سردار نامی، همرزم شهید پرداخته می‌خوانیم: «شهید طهرانی‌مقدم در وانفسای فقر تجهیزاتی در برابر تهاجم ارتش رژیم بعث و در مواجهه با موشک‌های اسکاد و فراگ عراق با دست خالی خود شروع به کار کرد و از سال ۱۳۶۲ با ورود به مساله پشتیبانی رزمی جنگ، وارد میدان شد تا در واحد موشکی سپاه با تلاش مستمر و مضاعف شبانه‌روزی خود و یاران خستگی‌ناپذیر امام امت، سامانه‌های دفاعی موشکی را برای دفاع دربرابر تهاجم موشکی رژیم تا دندان مسلح بعث عراق آماده و مهیای دفاع کند. آرزوی شهید بزرگوار طهرانی‌مقدم ساخت موشکی با برد نقطه‌زنی قلب رژیم غاصب اسرائیل بود و افراد به خاطر این آرزوی او نگاه خاصی به ایشان داشتند و وقتی که این رویا محقق شد، یکی از اساسی‌ترین رویاهای ما به واقعیت گرایید.»